یادداشت روز

تنها راه پیش‌روی سوریه آزادسازی نظامی

سیاست‌های نظامی و سیاسی آمریکا و ترکیه بر مبنای تداوم بحران امنیتی و سیاسی در سوریه قرار دارد و این دو کشور با سیاست‌های به‌ظاهر متفاوت از یکدیگر در حال همکاری با هم علیه ثبات و امنیت سوریه هستند. دلیل آن هم این است که سیاست منطقه‌ای ترکیه و سیاست خارجی آمریکا در موضوع محور مقاومت به هم می‌رسند. اما در این میان آمریکا با صراحت از لزوم مقابله با محور مقاومت حرف می‌زند و مطابق آن عمل می‌کند، ترکیه اما مخالفت با محور مقاومت را آشکار نمی‌کند اما علیه آن تلاش می‌کند. در این خصوص گفتنی است:

۱- ترکیه مدعی است برای قطع تهدیدات کردهای سوریه علیه خاک ترکیه، وارد عملیات نظامی شده است. این اساس توجیه آنکارا در اقدامات نظامی خود علیه سوریه است که خواسته یا ناخواسته به تقویت بعضی از گروه‌های تروریستی منجر شده است. ترکیه در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۹۸ به عملیات بزرگ و ترکیبی موسوم به «چشمه صلح» دست زد. این عملیات که نزدیک به دو هفته به درازا کشید، به کشته شدن بیش از ۴۰۰ نفر از طرفین که عمدتاً کردهای سوریه بودند، منجر شد. ترکیه پس از آنکه به اهداف خود رسید، طی بیانیه مشترک با آمریکا، اعلام آتش‌بس نمود که البته ارتش ترکیه به صورت مستمر و یک‌جانبه آن را نقض کرده است. اخیراً هم ارتش ترکیه از انجام یک عملیات سنگین تا عمق ۳۰ کیلومتری سوریه خبر داد ولی تاکنون اجرایی نشده است.

آنکارا و دمشق در دوره حکومت حافظ اسد، برای ممانعت از ورود کردهای سوریه به خاک ترکیه توافقنامه‌ای امضا کرده‌اند. در این توافق، دولت سوریه تعهد داد مانع ورود کردهای این کشور به خاک ترکیه و همکاری آنان با سازمان کردهای ترکیه (P.K.K) علیه این کشور شود. براساس این توافق کردها تا سه کیلومتری مرز با ترکیه حضور نخواهند داشت. سوریه همواره به این توافق پایبند بود، با بهم خوردن وضع امنیتی آن، آنکارا با بهانه کردن درگیر بودن دولت سوریه و ناتوان خواندن آن در کنترل کردها، وارد خاک این کشور شد و مناطقی از آن را به اشغال درآورد که شامل ۴۸۲۰ کیلومتر مربع و حدود ششصد شهرک و روستا شامل رأس العین، تل ابیض، المناجیر، سلوک و مبروکه شده است.

آنچه ترکیه علیه خاک سوریه انجام داده و ظاهراً به ادامه این اقدامات مصمم می‌باشد، ارتباط روشنی با عملکرد کردهای سوریه ندارد. این رفتار نه در چارچوب اقدامات تلافی‌جویانه می‌گنجد؛ چون کردهای سوریه طی دو دهه اخیر آسیبی به ترکیه وارد نکرده‌اند و نه در چارچوب اقدامات پیش‌دستانه قابل تجزیه و تحلیل است؛ چون هیچ نشانه‌ای مبنی بر تلاش کردهای سوریه برای ورود به خاک ترکیه و همداستانی با P.K.K علیه آنکارا دیده نمی‌شود. اگر ترکیه در افق امنیتی خود نگران اقدامات ناامن‌ساز کردها علیه خاک خود است، راه آن تحریک آنها به روی آوردن به تسلیحات بیشتر نیست؛ راه آن طرح نگرانی‌های امنیتی خود با دولت دمشق است. با فرض اینکه نگرانی ترکیه درخصوص کردهای سوریه موجه باشد، ارتش و دولت سوریه این توانایی را دارند که آنان را مدیریت کرده و تحت کنترل قرار دهند. ضمن آنکه دو هم‌پیمان دولت سوریه یعنی ایران و روسیه هم می‌توانند از ضمانت‌های دولت بشار اسد، در این خصوص پشتیبانی عملی نمایند. هیچ تردیدی در این وجود ندارد که دمشق، تهران و مسکو با هر اقدام ناامن‌ساز علیه ترکیه مخالف هستند و قادرند این مخالفت را به کرسی هم بنشانند.

۲- ارتش آمریکا از سال ۱۳۹۳ و درست از زمانی که با عملیات‌های حزب‌الله لبنان در «القصیر» و «یبرود» روند شکست تروریزم تکفیری در سوریه آغاز شد، وارد بخش‌هایی از خاک این کشور در استان‌های حلب، رقه، حسکه و دیرالزور گردید. بهانه آمریکایی‌ها، شرکت در عملیات ضدتروریستی در سوریه بود اما بررسی عملکرد ارتش آمریکا در سوریه نشان می‌دهد، پنتاگون نگران پیروزی کامل سوریه بر تروریست‌ها بوده و برای آن وارد این کشور شده است. در تحلیل‌های وزارت دفاع آمریکا تصریح شده است پیروزی قاطع جبهه مقاومت در سوریه، موقعیت آمریکا و عوامل منطقه‌ای آن شامل رژیم صهیونیستی و عربستان را به خطر می‌اندازد. پس از مشخص شدن پیروزی مقاومت، آمریکا برای ایجاد یک خط حائل کامل میان مقاومت منطقه‌ای و رژیم صهیونیستی وارد سوریه شد و نیروهای نظامی خود را از جنوبی‌ترین نقطه شرق تا شمالی‌ترین نقطه شرق این کشور مستقر کرد. اظهارات دو مقام ارشد آمریکا در امور غرب آسیا - باربارالیف، دستیار وزیر خارجه در امور خاور نزدیک و دانا استرول، قائم‌مقام وزیر دفاع در امور سیاست خاورمیانه - در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۴۰۱، سیاست نظامی آمریکا در سوریه در دفاع از اقدامات تجاوزکارانه و جنایت‌کارانه رژیم صهیونیستی علیه دولت و مردم سوریه را توضیح داده است. در این جلسه بارالیف با صراحت می‌گوید: «آمریکا به‌طور کامل از توانمندی اسرائیل برای استفاده از حق ذاتی دفاع از خود در سوریه حمایت می‌کند.» و استرول می‌گوید تا زمانی که نیروهای ایرانی در سوریه حضور دارند، آمریکا از عملیات‌های ارتش [رژیم] اسرائیل در خاک سوریه حمایت می‌کند.

۳- ارتش ترکیه اقدامات نظامی علیه سوریه را با مانور کردن روی تحرکات نیروهای موسوم به دموکراتیک کرد سوریه (SDF) توجیه می‌کند و همزمان مدعی مخالفت با اقدامات ترکیه در سوریه است. کمااینکه مقامات پنتاگون در همین هفته اخیر، ترکیه را از اقدام جدید علیه کردهای سوریه برحذر داشتند. اما همین آمریکا در جریان عملیات موسوم به چشمه صلح که طی آن ترکیه نزدیک به ۵۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه را به اشغال خود درآورد، پس از استقرار نیروهای نظامی ترکیه، این مناطق را ترک و در اختیار ترکیه قرار داد. ارتش آمریکا در بیانیه مشترک با ارتش ترکیه، آتش‌بس بین ترکیه و کردها را امضا کرد و بدین‌وسیله استقرار نیروهای نظامی ترکیه در این مناطق را به‌رسمیت شناخت!

ترکیه و آمریکا علی‌الظاهر در مورد سوریه با یکدیگر اختلاف دارند؛ اما واقعیت این است که این دو کشور در خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی سوریه و عدم سیطره دولت مرکزی بر اراضی کشور خود همداستان می‌باشند و آمریکا صرفاً تا زمانی که بتواند از کردهای این کشور برای تضعیف دولت سوریه استفاده کند، آنان را تجهیز و پشتیبانی می‌کند. این سیاست هیچ ضرری به ترکیه نمی‌زند. بله در زمانی که ترکیه که یک نیروی قدرتمندتر از کردهاست، می‌تواند بخش‌هایی از سوریه را از سیطره دولت دمشق خارج کند، آمریکا از آن پشتیبانی می‌کند و وضعیت کردها را وجه‌المصالحه قرار می‌دهد. بنابراین مخالفت آمریکا با عملیات ارتش ترکیه علیه کردهای سوریه، برای حفظ نیروهای معارض بشاراسد صورت می‌گیرد و رویکرد ضداردوغانی ندارد. حمایت آمریکا از کردها یک جنبه دیگر هم دارد و آن ایجاد مانع در روی آوردن کردهای سوریه به دولت مرکزی این کشور است. آمریکا نمی‌خواهد این امکان داخلی تضعیف دولت سوریه را از دست بدهد. واشنگتن می‌داند پیوستن کردها به دولت، پای ارتش سوریه را برای آزادسازی مناطق شمالی و شرقی این کشور از سیطره آمریکا و ترکیه باز می‌کند و توأمان سیاست‌های نظامی این دو دولت را در سوریه خنثی می‌نماید.

از سوی دیگر عملیات نظامی ترکیه علیه سوریه به آمریکا برای حفظ نیروهای اشغالگر خود در منطقه و از جمله در سوریه کمک می‌کند. به عبارت دیگر از آنجا که اقدامات نظامی ترکیه بیانگر تداوم بی‌ثباتی سوریه است، حضور نظامی آمریکا در سوریه را موجه جلوه می‌دهد. کمااینکه عملیات‌های نظامی پنتاگون در سوریه، همواره در زمان تهدیدات جدید ترکیه علیه همسایه جنوبی خود، گسترش داشته است.

۴- در حال حاضر بلندی‌های جولان و جبل‌الشیخ در جنوب غربی سوریه در اشغال رژیم صهیونیستی است، بخش‌هایی از شمال سوریه در اشغال ارتش ترکیه است، بخش‌هایی از شرق سوریه در اشغال نظامیان آمریکایی است و استان ادلب در شمال غرب سوریه در اشغال تروریست‌هایی است که به اشغال نظامی سوریه توسط ترکیه و آمریکا کمک می‌کنند و لذا تحت حمایت آنان قرار دادند. ارتش سوریه چاره‌ای ندارد جز اینکه با انجام عملیات‌های آزادی‌بخش، تمامیت ارضی خود را بازگرداند و در همه سرزمین خود استقرار کامل پیدا کند.

سعدالله زارعی

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

فرانسه واسطه احیای مجدد مذاکرات برجام شده است

سرویس سیاسی-

رحیمی جهان‌آبادی گفت: فرانسه در تلاش است تا خلأ وجود آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا را به نحوی پر کند و احیای روابط با کشورهای حاشیه مدیترانه، خاورمیانه و خلیج‌فارس، بخشی از سیاست فرانسوی‌ها است.

«جلیل رحیمی جهان‌آبادی» در مورد اعلام آمادگی فرانسه برای میانجی‌گری مذاکرات هسته‌ای ایران گفت: فرانسه درصدد است تا روند مذاکرات هسته‌ای احیا شود.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به گفت‌وگوی تلفنی امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه با حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی تصریح کرد: فرانسه موضع دوگانه‌ای را در مذاکرات هسته‌ای بازی می‌کند از طرفی دوست ندارد که نقش آمریکایی‌ها در این مذاکرات معادل همه اروپا باشد و در تلاش است نقش و جایگاه اروپا را در این مذاکرات احیا کند این سیاست کلی فرانسویان است.

نماینده مردم تربت‌جام بیان با بیان اینکه فرانسه سیاست جدیدی را در منطقه در پیش گرفته است گفت: آنها در تلاش‌اند تا خلأ وجود آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا را به نحوی پر کنند و احیای روابط با کشورهای حاشیه مدیترانه، خاورمیانه و خلیج‌فارس، بخشی از سیاست فرانسوی‌ها است.

رحیمی جهان‌آبادی با بیان اینکه فرانسه علاقه‌مند است در این مذاکرات نقش خود را پررنگ‌تر از بقیه کشورهای اروپایی ایفا کند، اظهار داشت: تلاش‌های از سوی دولت فرانسه برای تقویت همکاری‌ها صورت گرفته و گفت‌وگوی مفصلی بین رئیس‌جمهور ایران و فرانسه انجام شده است دیدگاه ایران به این کشور منتقل شده و آنها هم دیدگاه آمریکایی‌ها را منتقل کردند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصریح کرد: الان که سیاست و مصلحت کشور در این است که با آمریکایی‌ها به‌صورت مستقیم گفت‌وگو نکنیم فرانسویان می‌توانند این نقش را برای انتقال پیام ایفا کنند و میانجی‌گری کنند.

نماینده مردم تربت‌جام گفت: با وجود تحریم‌های اعمال‌شده از سوی غرب، ایران در موضع ضعف نیست، البته در اینکه به زیرساخت‌ها و اقتصاد آسیب‌های وارد شده است شکی نیست، اما طرف غربی هم خود را فریب می‌دهد و از زمانی که برجام را امضا کرد و بعد از برجام خارج شد دستاوردی نداشته است آیا وضعیت افزایش سانتریفیوژ ایران کاهش پیدا کرده؟ و یا غنی‌سازی کمتر شده؟ برعکس نفوذ ایران در خاورمیانه بیشتر شده و قدرت پهپادی ایران هم ارتقا پیدا کرده است جایگاه ایران و آمریکا در خاورمیانه قابل‌مقایسه نیست.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یادآور شد: زمانی که برجام با ایران امضا شد آمریکایی‌ها در افغانستان و عراق حضور داشتند اما اکنون از منطقه خارج شده‌اند این نشان می‌دهد غرب در موضع ضعف قرار گرفته است.

وی با اشاره به سفر جو بایدن به خاورمیانه اظهار داشت: تلاش رئیس‌جمهور آمریکا برای احیای جایگاه عربستان در بازار انرژی به شکست منجر شد این نشان می‌دهد که خاورمیانه دیگر خاورمیانه گذشته نیست و تصور آمریکایی‌ها نسبت به ایران نادرست است.

نماینده مردم تربت‌جام اظهار داشت: اگر غربی‌ها فکر می‌کنند ایران با داشتن مشکلات اقتصادی هر خواسته‌ای را می‌پذیرد و پای هر موافقت‌نامه‌ای را امضا می‌کند، بزرگ‌ترین اشتباه غربی‌هاست. ملت ایران هرگز در برابر خواسته نظام سلطه تسلیم نخواهند شد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اعلام آمادگی فرانسه برای میانجی‌گری مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا گفت: ایران کشورهای قطر، عمان و عراق را برای میانجی‌گری ترجیح می‌دهد چون پیوندهای عمیق‌تری با این کشورها داریم و درک بهتری از مسائل منطقه ما دارند البته هر کشوری که بخواهد مساعی جمیله و میانجی‌گری کند ایران استقبال می‌کند.

رحیمی جهان‌آبادی بیان داشت: خاورمیانه زمانی زیر سیطره آمریکایی‌ها بود اما در شرایط فعلی اجلاس اخیر عربستان نشان داد که متحدان آمریکایی‌ها هم معتقدند که نمی‌شود با طناب آمریکا به چاه رفت و در سفر اخیر بایدن به عربستان هم رفتار سردی با وی صورت گرفت و کشورهای منطقه پی بردند که مشکلات منطقه‌ای را باید خود کشورها حل کنند و امیدی به آمریکایی‌ها نیست.

رابرت مالی: از نظر من برجام دیگر مُرده است

بن کاسپیت در المانیتور نوشت: «اکنون زمان نجات توافق هسته‌ای ایران است» عنوان یادداشتی بود که در ۲۶ ژوئیه توسط جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در فایننشال تایمز منتشر شد. بورل نوشت: «این متن بهترین توافق ممکن است که من آن را عملی می‌دانم. پس از ۱۵ ماه مذاکرات فشرده و سازنده... من به این نتیجه رسیده‌ام که زمان برای مصالحه‌های مهم دیگر تمام شده است.»

در ادامه این مطلب آمده است: مقامات اسرائیلی با ارزیابی بورل موافق هستند. یک منبع دیپلماتیک اسرائیلی در بیت‌المقدس که خواست نامش فاش نشود به المانیتور گفت: بورل سعی کرد تا زمانی که می‌تواند این لحظه را به تعویق بیندازد، اما او چاره دیگری نداشت. توافق روی میز است. به نظر می‌رسد هر دو طرف از تماس‌ها خسته شده‌اند و به نظر می‌رسد به نقطه پایانی رسیده‌اند.

این منبع ارشد خاطرنشان کرد: آمریکایی‌ها نیز از این تحولات ناامید شده‌اند. راب مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران اخیراً پیامی را به اسرائیل ابلاغ کرد و گفت که او معتقد نیست ایرانی‌ها متن پیشنهادی بورل را بپذیرند و افزود: «از نظر او [مالی]، این توافق مرده است.»

بورل: اکنون زمان تصمیم‌گیری برای نجات توافق هسته‌ای است

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در یادداشتی که روز شنبه در تارنمای اتحادیه اروپا منتشر شد نوشت: هدف ما همیشه این بوده است که توافقی را منعقد کنیم که به نفع همه باشد. یعنی به نفع اروپا، به نفع ایران و به نفع جامعه جهانی که همه ما به آن دست یافتیم. ما برجام را در جولای ۲۰۱۵ منعقد، آن را اجرا و حفظ کردیم.

وی با بیان اینکه «این توافق محدودیت‌های شدیدی را برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران و گسترده‌ترین رژیم نظارت و بازرسی که تاکنون توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) اجرا شده است، تضمین کرد»، افزود: اجرایی شدن برجام منجر به کاهش ۹۸ درصدی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران و حذف هزاران سانتریفیوژ شد. علاوه‌بر این، اعمال موقت پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر مقررات شفافیت برجام به آژانس اجازه می‌دهد تا هر سایت (اتمی) را که می‌خواهد، در ایران بازرسی کند.

بورل اضافه کرد که در مقابل، برجام دورنمای مزایای اقتصادی ناشی از لغو تحریم‌های آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل علیه ایران را فراهم کرد.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه اذعان کرد: اجرای کامل این توافق به‌شدت تحت تأثیر تصمیم دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ برای خروج ایالات‌متحده از آن و پیگیری یک کارزار یک‌جانبه «فشار حداکثری» قرار گرفته است. وی با بیان اینکه اتحادیه اروپا و همه مشارکت‌کنندگان در این توافق با تصمیم ایالات‌متحده در این زمینه مخالفت کردند اعتراف کرد که «فشار حداکثری» دولت ترامپ شکست خورد «زیرا اتحاد جمعی مشارکت‌کنندگان این توافق را زنده نگه داشت و اکنون ادامه این کار (حفظ برجام) مهم‌تر از هر زمان دیگری است.»

بورل در ادامه به راه‌اندازی سازوکار ویژه مالی اروپا و ایران موسوم به اینستکس اشاره اما اذعان کرد: خروج ایالات‌متحده به‌طور چشمگیری منافع اقتصادی مورد انتظار برای ایران را کاهش داد و به همین دلیل است که برجام هرگز نتوانست ظرفیت کامل خود را به منصه ظهور بگذارد. این در حالی است که مردم ایران نیز از مزایای کامل لغو تحریم‌ها محروم شده‌اند.

فرصت برای سازش و مصالحه‌های مهم، تمام شده است

وی در ادامه به مذاکرات وین برای رفع تحریم‌ها و زسرگیری اجرای توافق هسته‌ای اشاره کرد و افزود: پس از ۱۵ ماه مذاکرات سازنده و فشرده در وین و تعاملات بی‌شمار با اعضای برجام و ایالات‌متحده، به این نتیجه رسیده‌ام که فضا برای سازش و مصالحه‌های مهم، دیگر تمام شده است.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا توضیح داد: اکنون متنی را روی میز گذاشته‌ام که با جزئیات دقیق به لغو تحریم‌ها و همچنین گام‌های هسته‌ای موردنیاز برای بازگرداندن برجام می‌پردازد. این متن نشان‌دهنده بهترین توافق ممکن است که من به‌عنوان تسهیل‌کننده مذاکرات، آن را امکان‌پذیر می‌دانم.

وی تصریح کرد: اکنون باید تصمیماتی اتخاذ شود تا از این فرصت منحصربه‌فرد برای موفقیت استفاده شود و ظرفیت بزرگ توافق (هسته‌ای) به منصه ظهور گذاشته شود.

بورل بر همین اساس نتیجه گرفت: هیچ جایگزین جامع یا مؤثر دیگری را در دسترس نمی‌بینم.

وی در ادامه مدعی شد، هرروزی که توافق وین به تأخیر می‌افتد، منافع اقتصادی ملموس (ناشی از برجام) برای مردم ایران از طریق لغو قابل‌توجه تحریم‌های آمریکا و همچنین مزایای عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای برای جهان به تعویق می‌افتد. به تعبیر وی، توافق وین سود اقتصادی و مالی قابل‌توجهی را به همراه خواهد داشت و همچنین امنیت منطقه‌ای و جهانی را تقویت می‌کند.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پایان تصریح کرد: اکنون زمان تصمیم‌گیری‌های سیاسی سریع، برای پایان دادن به مذاکرات وین براساس متن پیشنهادی من و بازگشت فوری به یک برجام کاملاً اجرا شده فرا رسیده است.

خبر ویژه

به نام «جمهوری اسلامی» به کام کلاهبرداران برجامی!

روزنامه «جمهوری اسلامی» از موضع پیاده نظام رسانه‌ای غرب مدعی شد توافقی بهتر از آنچه غرب روی میز گذاشته، وجود ندارد و دولت باید این پیشنهاد را بپذیرد.(!)

این روزنامه در سرمقاله‌ای که با تحلیل رسانه‌های ضد انقلاب بیگانه مو نمی‌زند، می‌نویسد: «برخلاف شعارهایی که داده می‌شود، بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور و معیشت مردم به تحریم‌ها گره خورده است. اینکه گفته شود تحریم‌ها را خنثی می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم به زندگی مردم لطمه وارد کنند، شعار خوبی است اما پشتوانه عملی ندارد.

در بخش سیاست خارجی و تصمیم‌گیری در زمینه مذاکرات برجامی نیز دولت سیزدهم دچار ضعف مشهود است. با قطع نظر از میزان توانایی گروه مذاکره‌کننده برجامی و میزان مسئولیت و اختیارات این گروه و تداخلی که ممکن است در اختیارات و مسئولیت‌های بخش‌های مختلف مرتبط با مذاکرات برجامی وجود داشته باشد، این واقعیت کاملاً مشهود است که موقعیت کنونی برای تصمیم‌گیری جهت رسیدن به یک توافق قابل قبول و احیاء برجام را نباید از دست داد. سخنان مسئولان ایرانی و غربی اعم از اروپایی و آمریکایی، نشان می‌دهند طرفین تمایلی به کنار گذاشتن برجام ندارند.

غربی‌ها با صراحت اعلام می‌کنند بهترین توافق روی میز است، گام آخر را بردارید. در چنین موقعیتی انتظار از مسئولین ایرانی اینست که از فرصت استفاده کنند و تصمیم نهایی را برای رسیدن به یک توافق که دربردارنده منافع ملی کشورمان باشد، بگیرند و به این واقعیت توجه نمایند که موقعیتی بهتر از آنچه اکنون در اختیار دارند پیش نخواهد آمد.

هیأت مذاکره‌کننده ایرانی در دولت سیزدهم از این امتیاز برخوردار است که اختیارات لازم را دارد و موانع و مشکلات عدیده‌ای که هیأت مذاکره‌کننده دولت قبلی با آنها مواجه بود، اکنون وجود ندارند. با اینحال، تأخیر یکساله آنهم بدون دستاوردی بیش از آنچه هیأت قبلی در اردیبهشت ۱۴۰۰ توانسته بود به دست بیاورد، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. اکنون مردم کشورمان با سؤال‌ها و کنجکاوی‌هایی که در زمینه مذاکرات برجامی دارند، می‌خواهند به هیأت مذاکره‌کننده برجامی و دولت سیزدهم بگویند ما به همان دستاورد اردیبهشت ۱۴۰۰ قانع هستیم و این نکته که رسیدن به توافق به نام چه کسی و کدام دولت سند بخورد اصلاً مهم نیست. شما پای همان توافق که می‌دانیم موفق به افزایش دستاوردهایش نمی‌شوید را امضا کنید و سندش را به نام خودتان بزنید ولی برای رفع تحریم‌ها و حل مشکلات مردم بیش از این درنگ نکنید.»

این نوشته در حالی در یک روزنامه داخلی منتشر می‌شود که تکلیف لغو تحریم‌ها و تضمین قابل اعتماد درباره تکرار نشدن کلاهبرداری آمریکا و اروپا در برجام، معلوم نیست و طرف آمریکایی اصرار دارد بدون حل این مسائل، هم به برجام برگردد و به مکانیسم ماشه آن برای بازگرداندن خودکار تحریم‌های سازمان ملل دسترسی داشته باشد و هم بحران گرانی قیمت سوخت را به شکل موقتی از طریق ایران حل کند اما در عین حال بتواند چند ماه دیگر که خرش از پل گذشت، شیطنت‌های چند سال اخیر را بازتولید کند. نکته عبرت‌آموز که میراث بزک‌کاری رسانه‌های غربگرا می‌باشد، قابلیت دو برابر شدن تعداد تحریم‌ها پس از برجام و در قالب اجرای یکطرفه برجام است. اما نویسنده تحلیل روزنامه «جمهوری اسلامی»، بدون اشاره به این امکان کلاهبرداری برآمده از برجام، ادعا می‌کند تیم روحانی در مذاکرات یک سال قبل کولاک کرده‌اند و دولت فعلی، بجنبد و آن دستاورد(!) را به نام خود کند!!

آتلانتیک: در بن‌بست برجام «بریکس» فرصت تازه برای ایران است

عضو شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید روابط نزدیک ایران با چین و روسیه و اعضای گروه بریکس می‌تواند فرصت‌های اقتصادی و سیاسی تازه‌ای را برای ایران فراهم کند.

نشریه آتلانتیک به قلم راغده درغام عضو شورای روابط خارجی آمریکا می‌نویسد: سازمان ناتو ماه گذشته راهبردی را در پیش گرفت که دگرگونی‌های گسترده‌ای را پدید خواهد آورد. در کنفرانس سران ناتو در اسپانیا، روسیه به عنوان کشوری دشمن معرفی شد و چین هم دشمن بالقوه‌ای نام گرفت که نباید نادیده گرفته شود و برای مقابله با تهدیدی که می‌تواند ایجاد کند، باید رویکردی راهبری علیه آن اتخاذ شود.

جنگ اوکراین، روابط غرب با روسیه را کاملا دگرگون کرده است. انتظار نمی‌رود که این جنگ در آینده نزدیک پایان یابد همایش سران ناتو از منظر سیاسی و نظامی رویدادی بسیار مهم به شمار می‌رود. شاید پوتین فعلا نخواهد به تصمیمات ناتو در دشمنی با مسکو واکنش نشان دهد اما نمی‌تواند در برابر تصمیم دولت لتونی که عبور کالاهای روسی به منطقه کالینگراد از طریق خاک این کشور را ممنوع کرده است تحمل کند. کالینگراد منطقه‌ای تحت حاکمیت روسیه است که لهستان و لتونی آن را از خاک روسیه جدا کرده‌اند. گفته می‌شود روسیه تلاش می‌کند تا راه‌حلی برای این مشکل پیدا کند. در صورت شکست این تلاش‌ها، احتمالا منطقه شاهد شعله‌ور شدن جنگی تازه خواهد شد.

همزمان با همایش سران ناتو و گروه ۷، در جبهه شرق نیز تحولاتی در حال شکل گیری است. روسیه تلاش می‌کند ساختاری برای مقابله با تحرکات گروه ۷، ایجاد کند. در راستای این هدف، سران کشورهای حوزه دریای خزر، یعنی روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در عشق آباد دیدار کردند و در حاشیه این دیدار پوتین تلاش کرد روابط مسکو – تهران را بیش از پیش تقویت کند.

پیش از اجلاس سران ناتو، در همایش مجازی سران کشورهای موسوم به بریکس، یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی که ۵ قدرت در حال ظهور اقتصادی هستند، پکن و مسکو، با پیوستن ایران و آرژانتین به این گروه موافقت کردند. این اقدام می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی ایران به فرصت‌های سیاسی و اقتصادی جدید باشد.

پیش از آنکه مناقشه روسیه و اوکراین آغاز شود، یعنی تا پیش از سال ۲۰۱۴، روسیه جزئی از کشورهای گروه ۸ بود و اکنون پوتین امیدوار است که بریکس به چالشی جدی برای گروه ۷ تبدیل شود. عضویت ایران در بریکس می‌تواند برای روسیه و چین پیامدهای خاصی داشته باشد.

در همایش عشق آباد، پوتین و ابراهیم رئیسی بر اهمیت امضای پیمان راهبردی همکاری‌های دوجانبه تاکید کردند. قرار است این پیمان در دیدار آتی پوتین از تهران امضا شود. افزون بر این، رؤسای جمهوری روسیه و ایران ضرورت حفظ حکومت سوریه را مورد تاکید قرار دادند.

هنوز روزنه امیدی برای شکستن بن بست موجود در گفت وگوهای هسته‌ای بین ایران و غرب وجود دارد. اما تحلیلگران بر این باورند که به خاطر پافشاری ایران به حذف نام سپاه پاسداران از فهرست سازمان‌های تروریستی، امکان توافق به تدریج کمتر می‌شود.

هنوز زنگ شکست گفت وگوهای هسته‌ای به صدا درنیامده و ایران به شدت به لغو تحریم‌های تحت رهبری آمریکا نیاز دارد. هم دولت آمریکا و هم اروپایی‌ها به شدت خواستار دستیابی به توافق با ایران هستند و به همین علت پوتین مایل است برای دستیابی به توافق هسته‌ای میانجیگری کند تا جایگاه و اعتبار خود را در جامعه بین‌المللی، بهبود بخشد.

وی همچنین تاکید می‌کند که چنان‌که گفت‌وگوهای هسته‌ای به شکست بینجامد، مسکو و تهران، برای پیشبرد اهداف خود، آمریکا و اسرائیل را مسئول شکست این گفت وگوها معرفی خواهند کرد. این احتمال وجود دارد که روسیه با وجود تحریم فروش جنگ افزار به ایران توسط سازمان ملل متحد، به تحویل اسلحه به این کشور مبادرت کند. این احتمال وجود دارد که تحویل برخی از جنگ افزارها فعلا رایگان باشد و این امکان نیز وجود دارد که جنگ‌افزارهای روسی که به ایران تحویل داده می‌شود توسط ایران در اختیار حزب‌الله و ارتش سوریه قرار بگیرد. با دریافت جنگ افزارهای جدید از روسیه، قدرت ایران در منطقه بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

گفت و شنود

کدام طرف؟!

گفت: حضور مسئولان بلندپایه نظام در مناطق سیل‌زده برای تسریع در کمک‌رسانی به هموطنان مصیبت‌دیده و همراهی و همدلی با آنها، برخی از مدعیان اصلاحات را بدجوری عصبانی کرده و به پرت‌وپلا گویی واداشته است!

گفتم: همه کسانی که یک جو وجدان و انسانیت داشته باشند این اقدام مسئولان کشورمان را تقدیر می‌کنند.

گفت: می‌گویند حضور مسئولان در مناطق سیل‌زده نمایشی است!

گفتم: چرا خودشان حتی برای نمایش هم که شده در میان مردم مصیبت‌دیده حضور پیدا نکردند؟! و در کیش و قشم و خارج کشور به تفریح و خوشگذرانی و عیش و نوش مشغول بودند؟!

گفت: مثل اینکه چیزی به نام انسانیت و همدلی با مردم و کمک به همنوع و... به گوش برخی از مدعیان اصلاحات نخورده است!

گفتم: از یارو پرسیدند قبله کدام طرف است؟ گفت؛ ۴۳ ساله در این محله زندگی می‌کنم ولی تا حالا نام خیابان قبله به گوشم نخورده!... حالا کجا را به شما آدرس داده‌اند؟!

نکته

آن سگ بی‌گناه آمریکایی!

۱- دوازده سال قبل (مهر ۱۳۸۹) لطیفه‌ای برگرفته از یک واقعیت در نیویورک روی خروجی یکی از سایت‌های اینترنتی قرار گرفته و در فاصله‌ای کمتر از ۳۶ ساعت به پربیننده‌ترین مطلب با میلیون‌ها مراجعه‌کننده تبدیل شده بود. شمار فراوانی از چند میلیون کاربر آمریکایی که این لطیفه را مشاهده کرده بودند در بخش نظر کاربران -COMMENTS- از آن با عناوینی نظیر «بهترین»، «گویاترین» و «لطیفه‌ای برگرفته از یک واقعیت تلخ» یاد کرده‌اند... پیش از این ترجمه فارسی این لطیفه پرسروصدا را در صدر یکی از یادداشت‌های کیهان آورده بودیم و امروز هم تکرار آن را بی‌مناسبت نمی‌دانیم. بخوانید!

«مردی در پارک مرکزی شهر نیویورک مشغول قدم زدن بود که ناگهان متوجه می‌شود یک سگ هار به دختربچه‌ای حمله کرده و قصد دریدن او را دارد. مرد، با عجله خودش را به آنها که چند ده متر آن طرف‌تر بودند، می‌رساند و با سگ درگیر می‌شود، بعد از مدتی کشمکش و در حالی که چند تکه از لباسش پاره شده بود، سگ را می‌کشد و دختربچه را نجات می‌دهد.

مردمی که در آن حوالی پرسه می‌زدند و با شنیدن صدای گریه آمیخته به التماس دخترک و غرش سگ هار و دخالت آن مرد در اطراف آنها حلقه زده بودند، بعد از مشاهده فداکاری مرد و پایان خوش ماجرا، برای مرد فداکار هورا می‌کشند. پلیس وارد صحنه می‌شود، دست مرد فداکار را به نشانه پیروزی بر سگ هار بلند می‌کند و به او می‌گوید «هی، تو واقعا یک قهرمانی و نشانه انسان‌دوستی و شجاعت مردم نیویورک.» مرد ضمن تشکر می‌گوید؛ اما، من اهل نیویورک نیستم و پلیس می‌گوید؛ «چه فرقی می‌کند، فردا روزنامه‌ها می‌نویسند یک آمریکایی قهرمان دختربچه بی‌پناهی را از چنگال یک سگ درنده و هار نجات داد. تو قهرمان و باعث افتخار همه مردم آمریکا هستی و فردا رسانه‌های آمریکایی با تیترهای درشت و پخش کلیپ‌های تلویزیونی داستان فداکاری تو را در صدر اخبار خود قرار می‌دهند.» مرد، سری به علامت نفی تکان می‌دهد و می‌گوید؛ «ولی، من آمریکایی نیستم» و پلیس می‌پرسد؛ «پس تو کجایی هستی؟!» و مرد پاسخ می‌دهد؛ «من ایرانی هستم».

فردای آن روز، تمامی روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی آمریکا در صدر اخبار خود اعلام می‌کنند؛ «یک مسلمان تندروی ایرانی، سگ بی‌گناه آمریکایی را کشت»!

حالا نگاهی هرچند گذرا به برخی از خبرها که در رسانه‌های فارسی‌زبان تحت مدیریت آمریکا و متحدانش اداره می‌شوند بیندازید و بازنشر همان خبرها از سوی پادوهای داخلی آنها را ببینید!

۲- یک شبکه تلویزیونی که تحت نظر مستقیم سرویس خارجی سازمان اطلاعات انگلیس MI6 قرار دارد و از سوی یک گروه بهائی اداره می‌شود، در گزارشی از ایران، ضمن ده‌ها خبر دروغ می‌گوید دوستان ما از ایران خبر داده‌اند که «نهادهای وابسته به حاکمیت بیش از ۱۷۰۰ قلاده سگ را در دماوند قتل عام(!) کرده‌اند»! و در ادامه همان گزارش از سفر پاپ به کانادا خبر می‌دهد و می‌گوید «پاپ در این سفر از بدرفتاری گردانندگان یک کلیسا نسبت به بومیان کانادا ابراز تاسف کرد»! و اما، اصل ماجرا؛

**۳- سرپرست اداره محیط زیست شهرستان دماوند ضمن تکذیب این خبر که قبل از ش